



مادران عزیز! بیست و هفتمین سالگرد تولد فرزند دیندار و مسئول محترم جناب آقای سید علی حسینی شاهی، که باور تعین، خیران ارادت، گنج کاتب کارکنان رسمی دادگستری

چشم آن دم که ز شوق تو نهد سر به نهد تا دم صبح قیامت نگران خواهد بود بخت حافظ گرا از این گونه مدد خواهد کرد زلف مشغوفه به دست دگر آن خواهد بود

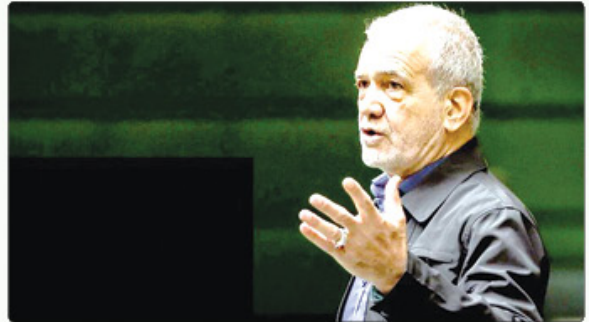
کسی با شوق روحانی نخواهد ذوق جسمانی برای گلین وصلش رها کن من و سلوی را عطار



صبح ۵:۲۹ طلوع آفتاب ۱۲:۰۲ غروب آفتاب ۱۶:۵۴ انان مغرب ۱۷:۱۴

رؤیاهایست را به خاطر بسیار و برایشان بختگ... پاتولو و کولینو

گزارش روز



برخلاف توصیه صریح رهبری به حمایت از دولت برخی از سیاستها و کتل‌های خبری همچنان مسیر تخریب را برگزیده‌اند

به گزارش پیام آشنا به نقل از خراسان، در روزهایی که رهبر انقلاب در توصیه‌های صریح، همه جریان‌ها و رسانه‌ها را به حمایت از دولت مستقر فراخوانده‌اند، بخشی از فضای رسانه‌های کشور

مسیری معکوس را برگزیده است. مسیری که نه نقد کارشناسی، بلکه تخریب هدفمند با اتکا به داده‌های نادرست را در دستور کار قرار داده است. آنچه در ماجرای اخیر دیدار رئیس‌جمهور ایران با رئیس‌جمهور روسیه رخ داد، نمونه‌ای گویا از این رویکرد بود. رویکردی که بیش از آن که دغدغه متافع ملی داشته باشد، نشانه‌ای از یک پروژه سیاسی زود هنگام برای تضعیف جایگاه

هجومه‌سازمان یافته با داده‌های مخدوش

در چنین شرایطی، پرسش اصلی دیگر فنی یا آماری نیست؛ پرسش سیاسی و رسانه‌ای است. تقویت میان نقد و تخریب دقیقاً در همین نقطه روشن می‌شود. نقد کارشناسی، حتی اگر تند و صریح باشد، مبتنی بر داده صحیح و با هدف اصلاح است. اما وقتی رسانه‌ها از علم به وجود داده‌های مغرور، رویای نادرست را برجسته می‌کنند و از آن نتیجه‌ای تحقیرآمیز علیه رئیس‌جمهور استخراج می‌کنند، دیگر با نقد مواجه نیستیم، بلکه با یک عملیات رسانه‌ای برای تضعیف سرمایه سیاسی دولت‌ورمرو هستیم. این نوع تخریب، آن هم در شرایطی که کشور نیازمند انسجام در سطح حکمرانی و سیاست خارجی است، بیش از آن که دولت را هدف بگیرد، به اعتماد عمومی و متافع ملی آسیب می‌زند. تجربه نشان داده است که بازی با آمار و تحریف واقعیت، شاید در کوتاه‌مدت دستاورد رسانه‌ای ایجاد کند، اما در بلندمدت، اعتبار همان جریان‌ها و رسانه‌ها را دچار چالش می‌کند.

می‌دهد عدد ۹۳ کیلومتر، مربوط به آمار اعلامی وزارت راه در حدود دو هفته پیش از این دیدار بوده است. در این فاصله، روند تملک اراضی ادامه یافته و طبق اعلام رسمی، میزان تملک به بیش از ۱۰۶ کیلومتر رسیده و عدد ۱۱۰ کیلومتر اعلام‌شده از سوی رئیس‌جمهور، در چارچوب همین به‌روزرسانی قابل فهم است. با استناد به داده‌های میدانی و فنی پروژه می‌توان تصریح کرد که عدد اعلامی رئیس‌جمهور دقیق است و با توجه به طول ۱۶۲ کیلومتری کل مسیر رشت-استراخان تملک ۱۱۰ کیلومتر از اراضی کاملاً با واقعیت‌های پروژه همخوانی دارد. همچنین معاون وزیر راه نیز به‌صراحت اعلام کرده که ۹۳ کیلومتر، مربوط به دو هفته قبل بوده و پیشرفت پروژه به‌صورت روزانه ادامه داشته است. به بیان ساده، رئیس‌جمهور روسیه آمار مغرور شده را در ذهن داشته و رئیس‌جمهور ایران دچار خطای اطلاعاتی نشده است.

ریاست‌جمهوری به‌شمار می‌رود. ماجرا از جایی آغاز شد که مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، در گفت‌وگو با ولادیمیر پوتین به روند پیشرفت پروژه راهبردی رشت-استراخان اشاره و اعلام کرد تاکنون حدود ۱۱۰ کیلومتر از اراضی مسیر تملک شده است. در همان لحظه، پوتین عدد ۹۳ کیلومتر را مطرح کرد. اختلافی که برخی رسانه‌ها و کتل‌های سیاسی آن را دست‌نویزی برای یک‌داده‌های جعلی قرار دادند و گزارش‌هایی با تیتراژ «شراف پوتین بر ایران بیشتر از رئیس‌جمهور ایران است» را در رسانه‌های خود منتشر کردند. این ادعا، در نگاه نخست شاید برای مخاطب غیرمتخصص جذاب و تحریک‌کننده باشد، اما بررسی دقیق داده‌ها نشان می‌دهد با یک نمونه کلاسیک از داده‌سازی سیاسی مواجهیم؛ جایی که اختلاف زمانی آمار، به‌عمد یا از سر بی‌دقتی، به یک روایت تحقیرآمیز علیه رئیس‌جمهور تبدیل می‌شود. گزارش‌های رسمی به‌روستی نشان

دیدگاه

رئیس‌جمهور بی‌دکترین

تعهدات نظامی سنگین در اروپا (مانند ناتو) هزینه‌های یالاست در حالی که بازدهی آن (حفظ امنیت اروپا در برابر روسیه) یک مسئله دوردست محسوب می‌شود. در مقابل، عدم کنترل مرز جنوبی، هزینه‌های محسوس و قوری دارد که باید برای آن هزینه کرد یا از آن پرهیز نمود. به دلیل اتکالی کامل به محاسبات هزینه-فایده، این تمرکز بر قاره آمریکا یک آدرس غلط به نظام بین‌الملل ارسال می‌کند. سیاست خارجی مبتنی بر بازدهی کوتاه‌مدت، فاقد ثبات استراتژیکی لازم برای تبدیل شدن به یک «دکترین جاو» نشان‌دهنده ارزیابی مجدد منافع کوتاه‌مدت است. بازگشت به اهداف راهبردی مغرور، در حالی که دکترین مغرور به دنبال جلوگیری از ورود قدرتهای رقیب به حوزه نفوذ بود، تمرکز کنونی ترامپ بر آمریکای لاتین و کلتانا مستقیماً از نیازهای داخلی نشئت می‌گیرد. مهار جریان مهاجرت از جنوب و مقابله با بحران مواد مخدر (به ویژه فنتانیل) مسائلی هستند که مستقیماً بر ثبات داخلی آمریکا و پایگاه رای جمهوری خواهان تأثیری گذارند. این موضوعات در ذهن دولت ترامپ، دارای بازدهی سیاسی داخلی بسیار بالاتری نسبت به تعهدات نظامی در مناطق دوردست تلقی می‌شوند. در عنوان مثال، در محاسبات ترامپ،

سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم بر چارچوب‌های ایندولوپولیک تثبیت‌شده‌ای مانند مهار کمونیسم، ترویج دموکراسی و تعهدات چندجانبه (مانند دکترین بویش یا مهل) استوار بود. این دکترین‌ها ریشه در یک تئوری جهانی منسجم داشتند. در نقطه مقابل، رویکرد ترامپ فاقد این تئوری کلان است. در این پارادایم جدید، هر منطقه یا اتحاد تنها زمانی ارزش حفظ کردن دارد که بازدهی ملموس و مستقیمی (اقتصادی، رای‌دهندگان، یا نمادین) را در ازای هزینه‌های سیاسی و مالی تحمیل شده به همراه داشته باشد. اعلام قاره آمریکا به عنوان «حیات جاو» نشان‌دهنده ارزیابی مجدد منافع کوتاه‌مدت است. بازگشت به اهداف راهبردی مغرور، در حالی که دکترین مغرور به دنبال جلوگیری از ورود قدرتهای رقیب به حوزه نفوذ بود، تمرکز کنونی ترامپ بر آمریکای لاتین و کلتانا مستقیماً از نیازهای داخلی نشئت می‌گیرد. مهار جریان مهاجرت از جنوب و مقابله با بحران مواد مخدر (به ویژه فنتانیل) مسائلی هستند که مستقیماً بر ثبات داخلی آمریکا و پایگاه رای جمهوری خواهان تأثیری گذارند. این موضوعات در ذهن دولت ترامپ، دارای بازدهی سیاسی داخلی بسیار بالاتری نسبت به تعهدات نظامی در مناطق دوردست تلقی می‌شوند. در عنوان مثال، در محاسبات ترامپ،

تمرکز جدید بر آمریکا راهبردی عمیق نیست، بلکه تاکتیکی محاسباتی است که نشان می‌دهد رئیس‌جمهور آمریکا، برخلاف پیشینیان، فاقد دکترین جهان‌بینانه منسجم و سیاست خارجی‌اش تلقی از متغیرهای داخلی و بازدهی قوری است. به گزارش پیام آشنا به نقل از راهبردی معاصر، سند راهبردی امنیت ملی آمریکا که به تازگی با امضای دونالد ترامپ منتشر شد، با معطوف کردن بی‌سابقه تمرکز ژئوپلیتیکی و اشتگتن بر کل قاره آمریکا و نامیدن آن به عنوان «حیات جاو» آمریکا، این پرسش را به وجود آورد که آیا این رویکرد به منزله بازگشت به دکترین مونرو و خروج از تعهدات پرهزینه در مناطق دوردست (مانند اروپا و غرب آسیا) است؟ دکترین مونرو (۱۸۲۳) که هدفش ممانعت از دخالت اروپا در نیمکره غربی بود، در طول زمان تبدیل به ابزار برای سلطه آمریکا شد. اما آیا سیاست‌های ترامپ، با ملامت تجاری و تمرکز بر منافع کوتاه‌مدت، واقعاً احیای این راهبرد قدیمی است؟ این حرکت نه یک بازگشت ایندولوپولیک بلکه یک تغییر اساسی در پارادایم تصمیم‌گیری سیاست خارجی آمریکا است؛ گذار از دکترین‌های کلان ایندولوپولیک به یک نظام مبتنی بر نسبت هزینه-فایده

سیستم مدیریت یکپارچه / کد ۱۰/۴۳/۰۳/ف / آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (شماره ۱۲۸۵/ع/۱۴۰۴)

شرکت آب و فاضلاب استان البرز در نظر دارد اجرای عملیات حفاری، لوله گذاری، آزمایش پمپاژ و فونداسیون دو حلقه چاه عمیق به روش دورانی در شهرستان فردیس را از محل اعتبارات طرح‌های عمرانی و از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای حداقل رتبه ۵ در رشته کاوشهای زمینی واگذار نماید.

بر آورد پروژه، مدت اجرای پروژه، نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: بر آورد بر اساس فهراس بیه‌انبیه، تاسیسات برقی و چاه‌سال ۱۴۰۴، مبلغ ۱۰۵,۲۸۴,۵۴۷,۷۰۶ ریال و مدت اجرای کار ۴ (چهار) ماه و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۵,۳۶۴,۲۲۷,۳۸۵ ریال بصورت یکی از تضامین ذکر شده در آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۰۲/۱۳۴۰۲/ت/۵۰۶۹۹/همورخ ۹۴/۰۹/۲۲ می باشد.

مهلت تحویل اسناد مناقصه: مناقصه گران علاوه بر بارگذاری فایل‌های PDF تا ساعت ۹ روز سه شنبه مورخ ۱۶/۱۰/۱۴۰۴، موظف به ارائه اصل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار در پاکت لاک و مهر شده تا ساعت ۱۰ همان روز به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان البرز می باشند. تاریخ بازگشایی پاکت: ساعت ۱۱:۳۰ روز سه شنبه مورخ ۱۶/۱۰/۱۴۰۴ خواهد بود.

نحوه دریافت اسناد مناقصه: داوطلبان می توانند به منظور دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۲۵/۰۹/۱۴۰۴ تا ساعت ۱۹ روز دوشنبه مورخ ۰۱/۱۰/۱۴۰۴ از طریق سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir با شماره فراخوان ۲۷۱۳۱۰۰۱۲۷۰۰۵۱۸۶۰۰۰۰ اقدام نمایند. تلفن تماس: ۰۲۶-۳۲۱۱۷۱۵۲

سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است. ۲۷۱۳۱٪ شناسه آگهی: ۲۰۷۱۹۱۹۰

شرکت آب و فاضلاب استان البرز «سهامی خاص»

متوسط اندازهی دیوار مصرف روزانه!

متوسط مصرف آب در ایران ۴۰ لیتر بالاتر از استاندارد جهانی: ۱۹۰ لیتر در روز.

